

# Analysis of Formal Elements of Motivation in The Speech of jihad Nahj al-Balagha

## ARTICLE INFO

### Article Type

Research Article

### authors

Mehdi Vahidi Motlagh  
Seyyed Mohammad Mousavi Befroi  
Kamal Sahrai Ardakani  
Yaser Rezapour Mirsaleh

### How to cite this article

Mehdi Vahidi Motlagh, Seyyed Mohammad Mousavi Befroi, Kamal Sahrai Ardakani, Yaser Rezapour Mirsaleh, Analysis of Formal Elements of Motivation in The Speech of jihad Nahj al-Balagha, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2023:7(3): 194-205.

## ABSTRACT

Motivation means excitement and movement and an inner state that empowers human behavior, sets it in motion and guides it towards certain goals. The purpose of this research is to infer and analyze motivational elements in Nahj al-Balagha speeches in order to create or change the behaviors and reactions of the audience. The sermon of Jihad is one of the eloquent speeches and has all kinds of tools and elements that the speaker has given in the form of an epic speech and with a special choice of words to provoke and excite the Kufis and resist the enemy, which is very effective in rousing them and It was able to create an undeniable movement. This research, using descriptive and statistical and inferential analysis, seeks to discover motivational elements at different levels of speech and the merit of creating motivation in the audience. The result of the research shows that at the phonetic level: vowel letters, fluent letters, and dark and bright vowels, and at the grammatical level: known verbs with active grammatical voice, short sentences, and at the rhetorical level: the simile element compared to Other motivational elements have more frequency.

1. PhD student of science and education, Nahj al-Balagha, Meibod University.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Maybod University. (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Maybod University
4. Associate Professor, Department of Counseling and Psychology, Ardakan University

**Keywords:** Speech, Nahj-ul-Balagha, Jihad, Persuasive, Motivational, Language

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: muosavi@meybod.ac.ir

### Article History

Received: 2023/03/15

Accepted: 2023/04/12

## تحلیل عناصر شکلی انگیزش در خطابه جهاد نهج البلاغه

مهدی وحیدی مطلق

دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه میبد.

سیدمحمد موسوی بفروئی\*

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد. (نویسنده مسئول).

کمال صحرايي اردکاني

استاديار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد

ياسر رضاپورميرصالح

دانشيار گروه مشاوره و روان شناسی، دانشگاه اردکان

## چکیده

انگیزش به معنای جوشش و جنبش و یک حالت درونی است که رفتار انسان را نیرو بخشیده، به حرکت درآورده و به سوی اهداف معینی راهنمایی می کند. هدف پژوهش حاضر، استقراء و تحلیل عناصر انگیزشی در خطابه های نهج البلاغه جهت ایجاد یا تغییر رفتارها و واکنش های مخاطبان است. خطبه جهاد از جمله خطابه های بلیغ و برخوردار از انواع ابزار و عناصری است که گوینده برای تحریک و تهییج کوفیان و مقاومت مقابل دشمن، در قالب گفتاری حماسی و با گزینش واژگانی خاص، ایراد کرده است که در برانگیختن آنان بسیار مؤثر بوده و می توانست حرکت و جنبشی انکارناپذیر را ایجاد کند. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیل آماری و استنباطی، در جستجوی کشف عناصر انگیزشی در سطوح مختلف گفتاری و سزاواری ایجاد انگیزش در مخاطب است. نتیجه پژوهش نشان می دهد که در سطح آوایی: حروف جهر، حروف روان، و مصوت های تیره و درخشان و در سطح دستوری: به ترتیب افعال معلوم با صدای دستوری فعال، جملات کوتاه و در سطح بلاغی: عنصر تشبیه نسبت به دیگر عناصر انگیزشی، دارای بسامد بیشتری هستند.

واژگان کلیدی: خطابه، نهج البلاغه، جهاد، ترغیبی، انگیزشی، زبانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳

\*نویسنده مسئول: muosavi@meybod.ac.ir

## مقدمه

یکی از مهم ترین مقوله های پیشرفت جوامع بشری، نیروی انسانی کارآمد است. با این که خداوند توانایی لازم را در همه عرصه های زندگی به انسان عنایت کرده اما به دلایل گوناگون این بشر است که از پذیرش مسئولیت های خود در راستای پیشرفت های فردی، اجتماعی، مادی و معنوی سرباز می زند؛ لذا لازم است گویندگان به گونه ای با مخاطبان سخن بگویند که تحرک و انگیزه لازم برای فعالیت های مفید و مثمر فراهم آید. انگیزش از مقولاتی است که در محدوده پژوهش های روان شناسی قرار دارد اما به عنوان یک موضوع بین رشته ای در سایر علوم مانند علوم تربیتی، فقه، اخلاق، مدیریت و زبان شناسی نیز قابل بررسی و تحلیل است. در علم فقه، نیت و انگیزه، شرط صحت و قبولی و روح عمل است. در اخلاق، ارزش و اعتبار گزاره های اخلاقی علاوه بر حسن فعلی به نیت و حسن فاعلی هم وابسته است. در مدیریت، نظریه پردازان این علم، موفقیت یک سازمان را برخورداری از نیروی مؤثر انسانی می دانند که ایجاد انگیزه از طریق مشوق های گوناگون و تأمین نیازهای مختلف جسمی روحی و روانی کارکنان، بیش از پیش اهداف سازمان را برآورده می سازد. از دیدگاه روان شناسی، «انگیزش، فرایندی است که انسان را به سمت رفتاری دارای انرژی و هدفمند، می کشاند و حالتی است که در اثر دخالت انگیزه که یک نیاز یا محرک درونی است، به انسان دست می دهد و در یک تقسیم بندی کلی به دو دسته انگیزه های بیرونی و انگیزه های درونی تقسیم می شود؛ انگیزه های درونی از هیجان ها، شناخت ها و نیازها تشکیل شده اند. نیازها، شرایط درونی فردند که برای ادامه زندگی و کمک به رشد و بهزیستی انسان ضروری است و به انواع مختلف زیستی، روان شناختی و اجتماعی تقسیم می شوند. شناخت ها، رویدادهای ذهنی مانند عقاید و خودپنداره ها هستند که بر روش تفکر فرد استوارند و رفتارهای فرد، بر اساس برنامه ای که در ذهن دارد، تنظیم می گردد و هیجان ها، پدیده های ذهنی فیزیولوژی هستند که نحوه واکنش سازگارانه ما را به حوادث مهم زندگی تنظیم می کنند؛ مثلاً هنگام مواجهه با تهدید، ضربان قلب افزایش یافته؛ از تهدید می گریزیم و انتظار پاسخ از دیگران را داریم. اما انگیزه های بیرونی، مشوق هایی از محیط خارجند که در توانمندسازی و هدایت کردن رفتارها مؤثرند. مثلاً پیشنهاد پول به انسان، انگیزه ای بیرونی است که رفتارهای متناسب خودش را به بار می آورد» (مارشال ریو، ۱۳۹۳: ۱۰). عوامل انگیزشی یا انگیزاننده ها، موجب استفاده بیشتر از توانایی ها و ظرفیت های درونی برای انجام رفتار می گردند. «تمایل به انجام کار در گروه توانایی های فردی است تا بر این اساس نوعی نیاز تأمین گردد و کسانی که تحریک می شوند نسبت به کسانی که تحریک نشوند، تلاش بیشتری می کنند» (استیفن بی، ۱۳۸۸: ۷۲).

باید دانست که کلام و سخن به عنوان یکی از قابلیت های مهم انسانی برای تفهیم و تفاهیم است در عین حال می توان آن را به عنوان یکی از محرک های مهم در رفتار انسانی تلقی نمود. در حیطه زبان شناسی، کارکرد و نقش زبان صرفاً برای اطلاع رسانی به مخاطب نیست چرا که انسان ها از برقراری ارتباط با یکدیگر اهداف متعددی را دنبال می کنند؛ گاهی سخن را برای توصیف پدیده ها و

گفتاری، میسر است؛ ضمن اینکه ظرفیت‌های زبانی انگیزش‌زا موجب استفاده بهینه از نیروی انسانی به موازات صنعت و تکنولوژی و افزایش بهره‌وری در سازمان‌ها خواهد شد. ادبیات نظری

در زبان‌شناسی نوین راجع به گفتار دو رویکرد کلی وجود دارد که یکی شکل و فرم و دیگری نقش و کنش گفتار را مورد توجه قرار می‌دهد. معناشناسی زبان بر تجزیه و تحلیل و توصیف صوری و معنای واژگان و جملات تأکید دارد در حالی که جنبه کاربردی زبان، به منظور گوینده و ایفای نقش و بررسی و عملکرد زبان در امور روزمره با استفاده از ابزار کلامی می‌پردازد.

باید دانست بر خلاف بلاغت سنتی که نگاه جزئی و صوری به متن دارد و فنون بلاغی صرفاً برای جنبه‌های تزئینی سخن به کار می‌روند، در بلاغت جدید، همزمان کاربردی بودن و نقش‌های زبانی، نیز مورد توجه قرار گرفته که از جمله، نقش انگیزشی است. «مفهوم بلاغت انگیزنده عبارت است از فن خطابه و سخنوری برای اقناع و انگیزش جمهور مخاطبان که در یونان قدیم رتوریک نامیده می‌شد و به معنایی که تا امروز در زبانهای غربی مطرح است، بیشتر ناظر بر تعامل اجتماعی است. مصطلحاتی مانند اقناع، انگیزش، جمهور، مخاطب و... از اصطلاحات اساسی این شاخه بلاغت است» (فوحی، ۱۳۸۶: ۱۰). این در حالی است که «بلاغت اسلامی از قدیم-الایام به فن خطابه و تأثیر و انگیزش در تعاملات اجتماعی کمتر توجه نشان داده است» (همان: ۱۰).

صلاح فضل گوید: «بلاغت همچون نظامی مستقل و متشکل از ابزارهای زیبایی‌شناسی و اقناعی جهت برانگیختن مخاطب است که مؤلف، آن را به منظور دستیابی به تأثیرات معین و مشخصی بر مخاطب به کار می‌گیرد و بنابراین شایسته است به این مقوله به دیده یک پدیده زبانی بنگریم که هدف آن تنها با فعلیت یافتن در متن مشخص می‌شود افزون بر این باید به این نکته نیز توجه کرد که صور بیانی، کارکرد سابق خود را که بیشتر به هدف زیبایی‌بخشی و آراستن کلام در متون بوده، ندارند و دارای بار معنایی خاص در رابطه با اندیشه‌های گویندگان بوده و در متن دارای تفاعل و پویایی است (فضل، ۱۹۹۸ م: ۱۷۹). انگیزش را می‌توان متناسب با شاخه کاربردشناسی و نقش‌های عناصر زبانی موجود در متن دانست که فراتر از مفهوم واژگانی و جملات، بررسی «کنش زبانی و استفاده عملی زبان در موقعیت‌های ملموس است» (فالك، ۱۳۷۷: ۳۲) و همانطور که یول معتقد است: «افراد برای بیان منظور خویش تنها پاره‌گفتارهایی حاوی کلمات و ساختارهای دستوری تولید نمی‌کنند بلکه از رهگذر آن پاره‌گفتارها، اعمالی را نیز انجام می‌دهند» (یول، ۱۳۸۳: ۶۶).

کاربردشناسی زبان را می‌توان مرتبط با نظریه دانشمندی چون آستین، جان‌سرل و یاکوبسن دانست؛ یاکوبسن شش نقش برای زبان قائل است نقش عاطفی، همدلی، فرازبانی، ارجاعی و ترغیبی (صفوی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۰). وی با توجه به ارکان مختلف ارتباط گفتاری و برشمردن مخاطب به‌عنوان یکی از ارکان مهم ارتباط، هنگام جهت‌گیری سخن به سمت مخاطب، آن را برخوردار از نقش ترغیبی می‌داند (یاکوبسن، ۱۳۶۹: ۷۶-۸۰). آستین استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد و همچنین جان‌سرل نیز در نظریه کنش گفتاری،

رویدادها و حوادث و انتقال اطلاعات به کار می‌برند اما «هنگامی که هدف از کلام، جلب مشارکت مخاطب (گیرنده) یا برانگیختن وی باشد، نقش انگیزشی یا کنش ترغیبی تحقق می‌یابد» (گیرو، ۱۳۸۰: ۲۱). بنابراین در علم زبان‌شناسی، انگیزش «به‌کارگیری محرک‌هایی است که عناصر، قوا و مکنونات مخاطب را برمی‌انگیزد تا او را به معرفت یا گرایش و رفتار خاصی متوجه سازند و هدفی هماهنگ کنند که به عنوان کلام با خود دارد و مقصود متکلم است» (عباسی‌نیا و ساجدی، ۱۳۵۹: ۱۱۰). گفتنی است معنای رایج انگیزش، علت و چرایی رفتارها در عالم خارج است که در خطابه‌های حماسی تبلور بیشتری دارد.

خطابه از صناعات خمس در منطق به‌شمار می‌آید و هنری است که به علت شفاهی بودن و القای آن در جمع و ارتباط چهره‌به‌چهره متکلم و مخاطب، برای ایجاد تحولات در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی، کارآمد است. «سوفسطائیان نخستین کسانی بودند که خطابه را به صورت یک فن و در رسیدن به مقاصد سیاسی و شخصی به کار می‌گرفتند و در قبال مزد و آموزش به دیگران نیز می‌آموختند؛ این رویکرد به دلیل نیاز فراوان آن زمان به ایراد سخنان قانع‌کننده در دادگاه بود» (کاپلستون، ۱۳۸۵: ۱۰۲/۱). ارسطو حکیم یونانی، این فن را تحت انضباط درآورد و راجع به آن کتابی به نام رتوریکا نوشت. «اصولاً رتوریک، هنر ترغیب و تشویق است. ذهن ارسطو در کتاب رتوریکا بیشتر متوجه فن سخنرانی رایج در یونان بوده که از همه ابزارها برای ترغیب مخاطب استفاده می‌شود. رتوریک، هنر سخن مؤثر برای ترغیب و تشویق و از اصول و شیوه-های عرضه افکار به صورت روشن و برانگیزاننده در قالب عبارات جذاب و دلنشین است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۲). باید دانست که در خطابه، بیش از عقل و فکر مخاطب، با دل و احساسات او ارتباط برقرار می‌شود. در خطابه‌های حماسی، ظرفیت سخن به گونه‌ای-ایست که توانایی ایجاد جوش و خروش لازم را برای انجام یک فعالیت عینی و خارجی در دل مخاطب دارد تا به انسجام فوری نیروهای جنگاور و غلبه بردشمن منجر شود و بدیهی است در این صورت، چه بسا استدلالی سخن گفتن، موجب از دست رفتن فرصت موفقیت گردد.

جهاد از جمله خطابه‌های نهج‌البلاغه است که گزاره‌های مختلف آن در این نوشتار مورد کنکاش قرار می‌گیرد تا ضمن فهم فضای صدور، منظور مؤلف از به‌کارگیری ابزار ادبی‌زبانی مختلف در متن و بسامد آنها، کشف گردد. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای است از این رو برای فهم عناصر انگیزشی خطبه جهاد، سطوح مختلف گفتاری خطبه (آوایی، نحوی، بلاغی) مورد بررسی قرار می‌گیرد و با رویکرد تحلیل ادبی و تأکید بر گزاره‌های بلاغی و نقش آنها در ایجاد انگیزش، عناصر مختلف شکلی (همچون تکرار، سجع، جناس، قسم، استفهام توییحی، ندا، ادات تأکید، شرط و جزا، جملات کوتاه، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه)، با هدف پاسخ به سؤالات تحقیق، واکاوی و تحلیل دقیق می‌شوند.

ضرورت پژوهش حاضر را می‌توان استفاده از نظریه‌های جدید زبان‌شناسی و گشوده‌شدن فضای جدیدی در تحقیق و واکاوی و فهم متن کهن نهج‌البلاغه دانسته که این امر با بازخوانی روشمند خطابه‌ها و توجه به کاربردی بودن عناصر مختلف، در سطوح مختلف

قائند که پاره‌گفتارها فقط در بردارنده ساختار دستوری و واژگان نیستند و صرفاً وضعیت اموری را توصیف و اطلاعاتی را منتقل نمی‌کنند بلکه کنش‌هایی را نیز انجام می‌دهند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴). که از جمله کنش‌های ترغیبی و انگیزشی است که پژوهش پیش رو در صدد واکاوی این موضوع است.

#### پیشینه پژوهش

مفاخری، کوروش، (۱۳۸۱)، در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه اصفهان، با عنوان بررسی انگیزش و کاربرد آن در مدیریت از منظر حضرت علی (ع) با رویکردی تطبیقی به برخی تئوری‌های انگیزش با تأکید بر نهج‌البلاغه، موضوع انگیزش در مدیریت را از منظر حضرت علی (ع) با برخی تئوری‌های انگیزش از اندیشمندان غربی تطبیق داده است؛ به این منظور مباحثی از قبیل مدیریت اسلامی و انسان از دیدگاه اسلام، عوامل مؤثر بر انگیزش از دیدگاه علی (ع)، را بیان کرده و با تئوری مزلو، هرزبرگ و مدل پورتو و لاولر مقایسه نموده است. در این پژوهش به عناصر شکلی انگیزشی پرداخته نشده است.

وثیقی‌میمندی، لایلا و همکاران، (۱۳۹۶)، در مقاله اصول و موازین شورانگیزی در خطبه جهاد نهج‌البلاغه، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال شانزدهم، شماره ۵۵، به بررسی برخی اصول مؤثر در شورانگیزی و چگونگی استفاده از آنها را در ایجاد هیجان مخاطب، در خطبه جهاد مورد بررسی قرار داده و بیشتر بر جنبه کنش عاطفی متن خطبه تأکید کرده‌اند اما از موضوع انگیزشی بودن عناصر شکلی چیزی در آن دیده نمی‌شود. این در حالی است که قلمرو پژوهش حاضر، عناصر انگیزش‌زا را در سطوح آوایی، نحوی، بلاغی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

مختاری، قاسم، هادی‌فر، فریبا، (۱۳۹۵)، در مقاله القاگری آواها در خطبه جهاد بر اساس نظریه موریس گرامون، پژوهش‌نامه علوی، شماره اول، سال هفتم، ضمن تأکید بر پیوند الفاظ و معانی، به تمایز معنایی در گزینش واژگان پرداخته و بر اساس نظریه موریس-گرامون، تکرار حروف و حرکات را موجب تداعی معانی مورد نظر مؤلف دانسته‌اند. در این مقاله فقط از عناصر سطح آوایی، تکرار حروف و حرکات آمده و به موضوع انگیزشی در این عناصر و سایر سطوح اشاره‌ای نشده است.

محمودی، سعیده و همکاران، (۱۳۹۵)، در مقاله تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۶، خطبه جهاد را با روش گفتمان ادبی مورد بررسی قرار داده و به ارتباط بین ساختارهای گفتمان‌مدار و دیدگاه‌های اجتماعی حاکم بر تولید گفتمان و ارتباط و هماهنگی بین ابزارهای ادبی درون متنی و بافت موقعیتی آنها، اشاره نموده‌اند. این پژوهش نیز به موضوع عناصر انگیزشی نپرداخته است.

حسینی‌اجدادنیکی، سیداسماعیل، (۱۳۹۳)، در مقاله بررسی و تحلیل زیبایی‌شناختی خطبه جهاد، پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۳، شماره ۲، ضمن اشاره به وحدت موضوعی و پیوند بین الفاظ و معانی، اجزای مختلف دستوری و بلاغی را با رویکرد زیبایی‌شناسیک، مورد بررسی و تحلیل قرار داده اما در سطوح مختلف از موضوع انگیزشی و عناصر مؤثر بر آن، چیزی نیآورده است.

غفوری‌فرد، محمد و همکاران، (۱۳۹۵)، در مقاله بررسی و تحلیل سبک‌شناسی آوایی خطبه‌های نهج‌البلاغه، زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۵، به موضوع سبک‌شناسی به عنوان یکی از رویکردهای نقدی، پرداخته و سبک‌شناسی آوایی را در خطبه‌های نهج‌البلاغه بررسی نموده‌اند. در این پژوهش، موضوع انگیزشی بودن عناصر شکلی سطوح مختلف گفتاری بررسی نشده است.

#### نگاهی به خطبه جهاد

جهاد از جمله خطبه‌های بلیغی است که در پی حملات ایدائی فرماندهان سپاه معاویه بر بخش‌هایی از سرزمین‌های تحت حاکمیت علی (ع) و از سوئی سستی‌ورزی و نافرمانی اصحاب ایشان در ایستادگی و مقاومت مقابل دشمن ایراد شده است.

«دلیل مشهور ایراد این خطبه این است که، مردی به نام عیج از مردم شهر انبار، بر آن حضرت وارد شد و خبر داد که سفیان بن عوف- غامدی به فرماندهی سپاه معاویه وارد شهر انبار شده و کارگزار ایشان، حسان بن حسان بکری را به شهادت رسانده است. حضرت با شنیدن این خبر ناگوار به منبر رفت و خطاب به مردم فرمود: برادر شما حسان بکری در شهر انبار دچار مصیبت و گرفتاری شد؛ او با وجود اینکه سخت درمانده شده بود، از حادثه نهراسید، نعمت‌های آماده نزد خداوند را بر زندگی دنیا ترجیح داد و آخرت را برگزید. پس به سوی دشمن بشتابید، آنان را تعقیب کنید و اگر بر آن‌ها دست یابید، چنان گوشمالی‌شان دهید که برای همیشه از زندگی، در عراق قطع امید کنند. پس از ادای این جملات، به امید شنیدن پاسخ مناسب ماند، اما مردم خاموش ماندند سکوتی مرگبار همگان را فرا گرفت هیچکس حتی یک کلمه بر زبان نیاورد» (ابن میثم ۱۴۰۴: ۳۱/۲).

همانطور که فضای صدور خطبه نشان می‌دهد، محور آن، اهتمام بر جهاد با دشمن است با توجه به احساسی و دمدمی مزاج بودن و انفعال برخی کوفیان در برابر حملات ایدائی دشمن، گوینده احساساتی مانند، خشم، اندوه، تأسف و انزجار خود را از عملکرد اصحابش بروز داده و به هدف بیدارسازی و تهییج و تحریک آنان به جهاد، ابزار زبانی مختلفی را در سطوح آوایی دستوری و بلاغی به خدمت گرفته است بنابراین کاربرد آنها را نباید منحصر در توصیف پدیده‌ها، حوادث و رویدادها یا بعد زیبایی‌شناسیک سخن دانست بلکه از سوئی به دلیل سیاق و موقعیت خطبه و از طرفی ویژگی‌های متنوع ادبی خطابی، توان منظوری گفتار، ایجاد تحرک و پویایی و وادارسازی مخاطبان به جهاد است؛ در ادامه بسامد هر کدام از عناصر و جنبه انگیزشی آن بررسی و تحلیل می‌گردد.

#### تحلیل متنی خطبه جهاد

##### سطح آوایی

«آواشناسی مطالعه و توصیف علمی آواهای زبان است». (حق‌شناس، ۱۳۶۹: ۱۲) به سطح آوایی متن، سطح موسیقی نیز گفته می‌شود. موضوع سطح آوایی یا موسیقی، در راستای تحلیل متون ادبی، از دیرباز مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. در سطح آوایی، کاربست انواع صامت‌ها (همخوان‌ها) و مصوت‌ها (واکه‌ها)، انواع سجع، جناس و توازن واژگانی را نباید بی‌مفهوم یا صرفاً در جهت تزئین و آراستگی لفظی دانست بلکه می‌تواند به دلیل تکرار و صفات و

ویژگی‌های حروف، در تهییج و تحریک مخاطب مؤثر بوده و دارای بار انگیزشی نیز گردند.

فنون بدیع لفظی

### تکرار

یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین فنون که در قالب همخوان‌ها و واکه‌ها، واج‌ها، واژه‌ها و حتی جملات در گفتار بروز می‌یابد، تکرار است. باید دانست در علم فصاحت هر چند تکرار از عیوب در کلام شمرده شده (هاشمی، ۱۳۸۱: ۲۳) اما اگر این تکرار بر اساس معیارهای ادبی و هنری صورت پذیرد خود یک حسن محسوب می‌گردد. اصولاً تکرار، حاکی از اهمیتی است که مطلب نزد مؤلف دارد.

در عبارت: «أَلَا وَآئِنِي قَدْ دَعَوْتُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لِيَلْمُوا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَأَعْلَانًا وَفَلْتُمْ لَكُمْ أَغْرُؤُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرُؤَكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ فِي غَيْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا قَتَوْا كَلْتُمْ وَتَخَادَثْتُمْ حَتَّى شَنَنْتُمْ عَلَيْكُمْ الْغَارَاتُ وَمَلِكْتُمْ عَلَيْكُمْ الْاَوْطَانَ» آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه با شامیان دعوت کردم و گفتم پیش از آن که آنها با شما بجنگند با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند، هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، دلیل خواهد شد اما شما سستی به خرج دادید، و خواری و ذلت پذیرفتید، تا آنجا که دشمن پی‌درپی به شما حمله و سرزمین‌های شما را تصرف نمود. (دشتی، ۱۳۹۳: ۷۵)، حروف جهری آمده است «حروف جهر حالت انفجاری دارند و از نقطه نظر روحی و ذهنی، موجب غلبه احساسات شدید گردیده که می‌تواند شخص را متلاطم کند؛ به نفس نفس بیندازند و به قول عامه تکان دهد؛ چرا که هیجان‌ات تند و تکاننده با همخوان‌های انسدادی القا می‌گردند» (قویمی، ۱۳۸۳: ۴۶). ضمن اینکه حروف روان هم از بسامد بالایی برخوردارند؛ «این همخوان‌ها، صوتی روان و سیال هستند و معانی را در ذهن مخاطب تداعی می‌کنند که یک نوع تکرار در آن باشد (همان: ۵۳). در این فراز، حرف (قاف) که حرفی جهری است به صورت تکرار هم‌خوان آغازین، هفت بار و سپس حرف (غین) چهار بار، حرف (زاء) هم به صورت هم‌خوان میانی، سه بار و در مجموع چهارده بار تکرار شده که مبین لحن تند گوینده و تکاننده بودن آن است. حروف روان (راء و لام) هم ۲۷ بار ذکر شده‌اند که دعوت مکرر گوینده و مخالفت مکرر مخاطبان را القا می‌نمایند.

علاوه بر تکرار صامت‌ها و هم‌خوان‌ها، حرکات و مصوت‌ها هم تکرار شده‌اند؛ به نظر مورس گرامون، تکرار مصوت‌های درخشان، موجب ایجاد هیاهو و صداهای بلند و اوج گرفتن صدا و مصوت‌های تیره، بیانگر حزن و اندوه گوینده از عملکرد مخاطبان است (مختاری و هادی‌فر، ۱۳۹۵: ۱۳۹ و ۱۳۰). در عبارت مذکور، مصوت‌های درخشان (اوا) چهارده مرتبه و مصوت‌های تیره (ا و او) ۲۵ مرتبه تکرار شده است. در این فقره، تکرار حروف شده و لحن تند و شدت خشم گوینده و تلاش وی در انتقال این حس و هیجان به مخاطب، آن را به کنشی برای ارائه خبری تعجب‌آور همراه با اعتراض و توبیخ نسبت به عملکرد اصحابش تبدیل می‌کند؛ گویی صدای امام از سستی‌ورزی کوفیان در امر جهاد، بلند و از تعلل آن‌ها به شدت اندوهگین است که با صدایی رسا آنان را فرا خوانده و خواسته تا

دیر نشده از حالت انفعالی به حالت تهاجمی تغییر رفتار دهند؛ کاربرد حرف تنبیه (آلا) و تأکید با ادات (إن و قد)، همراه با تکیه تشدید، اصرار بر اهمّیت توجه به جهاد است همچنین در این عبارت از صنعت تضاد نیز استفاده شده است و «تضاد گاهی اوقات در بردارنده معنای شمول و فراگیری است» (محمودی به نقل از عوده و احمدصالح، ۲۰۰۳: ۹۳). لذا کلمات روز و شب، آشکار و نهان، نیز مبین تأکید دائمی گوینده بر اهمّیت جهاد و برانگیختن همیشگی مخاطبان بر این موضوع و عدم پاسخ به دعوت ایشان است.

### جناس

از جمله عناصر آوایی در یک متن ادبی و در قالب نظام‌های صوتی، جناس است. جناس «تشابه دو لفظ در گفتار با اختلاف آن‌ها در معناست» (فتنازانی، ۱۴۱۱: ۲۸۸). جناس از یک طرف در کلام موسیقی ایجاد می‌کند و از سویی دیگر سبب تداعی معانی مختلف در یک لفظ می‌شود و در نتیجه به گسترش تخیل و ایجاد کشش و جلب توجه شنونده می‌انجامد (تجلیل، ۱۳۶۷: ۲).

این آرایه در صورتی که به اندازه و به‌موقع بدون زیاده‌روی در گفتار به کار رود، باعث تزیین لفظی و ایجاد تناسب و توازن در سخن، تأثیر بر جان و دل مخاطب و انتقال معانی مورد نظر مؤلف می‌شود چنانکه در عبارت (يَا أَشْيَابَ الرَّجَالِ وَلَا رَجَالَ حُلُومِ الْأَطْفَالِ وَغُفُولِ رِبَاتِ الْجِبَالِ لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمْ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةَ وَاللَّهِ جَرَّتْ نَدْمًا وَاعْقَبَتْ سَدَمًا قَاتِلِكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قِيحًا وَشَحْنَمَ صَدْرِي غَيْظًا....)، ای مردنمایان نامرد، ای کودکان صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد، چقدر دوست داشتم که شما را هرگز نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم؛ سوگند به خدا که شناسایی شما جز پشیمانی حاصلی نداشت و اندوهی غم‌بار سرانجام آن شد. خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پر خون و سینه‌ام از خشم شما مالا مال است» (دشتی، ۱۳۹۳: ۷۶)، واژگان جناس مضارع (نَدَمًا وَ سَدَمًا) به علت قریب‌المخرج بودن (نون) و (سین)، با همنشینی آوایی «ن» که معنای ندبه دارد و «س» که معنای وسوسه و سایش دارد (حق‌شناس، ۱۳۶۹: ۸۶-۸۸)، به زیبایی هرچه تمام‌تر، قدرت سخنوری گوینده را در جهت تصویرگری عمق اندوه و حزن وی از وقایع پیش‌آمده، به نمایش می‌گذارد علاوه بر این، سخن با قسم هم تأکید شده است و باید توجه داشت که توان منظوری کلام گوینده این بوده که با ابراز اندوه و ناراحتی، به امید بیدار شدن افکار خفته و فعال شدن افراد بهانه‌جو و سست‌عنصر، آنان را وادار به تأمل و تحریک به جهاد نماید؛ ضمن اینکه بافت موقعیتی و سیاق سخن هم مبین اهمّیت و تحریک مخاطب به جهاد است.

### سجع

از جمله آرایه‌های لفظی که موجب آهنگین شدن گفتار و برخوردار از ارزش موسیقایی می‌گردد، صنعت سجع است. «سجع در لغت به معنای بانگ و آواز کبوتر یا ناله‌ی شتر می‌باشد (فراهیدی، بی‌تا، ۲/۲۱۷). و در اصطلاح «آن است که کلمات آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند» (همای، ۱۳۶۸: ۴۱) و از این جهت با جناس متفاوت است که سجع به وزن و هم‌وزنی توجه دارد اما «جناس کلماتی هم‌جنس و در ظاهر شبیه

به هم هستند اما در معنا با هم اختلاف دارند» (همان: ۴۸). تنها اختلاف لفظی جناس، می‌تواند در یک حرف یا یک حرکت «فححه، ضمه، کسر» بوده و لزوماً وزنشان یکی نیست مثل «سوزان و سوزن» که هم وزن نبوده اما جناس هستند.

بخش قابل توجهی از نظام موسیقایی در خطابه‌های نهج البلاغه، مربوط به وجود سجع‌ها است که بر خلاف برخی متون از تحمیل تصنع و تکلف، نیز به دور است. در خطابه جهاد این ترفند زبانی را نمی‌توان تنها برای ایجاد تناسب و پرکردن جای قافیه و فاصله و پایان‌بندی و آهنگین کردن گفتار تلقی کرد بلکه کلمات مسجع موجب تند کردن ریتم و لحن کلام و تحریک عواطف و احساسات مخاطبان گردیده است تا علاوه بر لذتی که از گفتار آهنگین می‌برند، معنی انگیزشی بودن آن را نیز فهم و درک کنند. در خطبه جهاد، شانزده مورد سجع در انواع مختلف به کار رفته است. از جمله در کلمات (عَشْرِينَ وَ سِتِينَ) هماهنگی آوایی با حرف لین برای این است که با آنها احساس آرامش تقویت شود و از درنگ پیش‌آمده در مبارزه با دشمن تصویرسازی شود و از طریق تأمل فکری پیش‌آمده، آنها را به جنبشی وادارد. در فرازی دیگر، گوینده ضمن آهنگین و دلنشین کردن سخن خود، در موقعیتی مناسب و مطابق با حال و مقام، آمیزه‌ای از کلمات «تَغْزُونَ وَ تَرْضُونَ» را به کار برده تا معصیت هجوم دشمن را در مقابل رضایت به آن قرار دهد و با این‌گونه ترکیب، ارتباط تنگاتنگ لفظ و معنا، حاکم شده و در نتیجه با انتقال اندیشه‌های مختلف خود، انگیزش را در دل مخاطب پرورش دهد؛ همچنین با آمدن کلمات «غَيْظًا وَ قِيحًا» که از نظر معنا و حرف آخر موزون شده‌اند و نیز کلمات «مِرَاسًا وَ مَقَامًا» و نیز پاسخ شرط‌هایی که برای زمان به کار می‌روند، با ایجاد محور معنایی جدید الحالی، نافرمانی آنها در برابر حاکمیت حق مفهوم‌سازی شده است؛ در عین حال حرف «راء» در کلمات «تَرَحًا وَ غَرَضًا» که حرف لسانی و برای خوشایندی محسوب می‌شود (عبدالطوب، ۱۹۸۰: ۱۰۱)، راحت‌طلبی آنها را مفهوم‌سازی می‌کند؛ و با توجه به فضای حماسی خطابه، می‌توان گفت که این عناصر در راستای برانگیختگی مخاطب به کار رفته است.

### سطح دستوری

مقصود از سطح دستوری و نحوی، صور زبانی مرتبط با ساختار جملات نظیر تقدیم و تأخیر، اجزای جمله، نوع جملات اسمیه، فعلیه، پرسشی، خبری، امری، عاطفی، جملات وابسته و منقطع، ادات موجود در جملات پرسشی، تأکیدی، قسم، ندا، کوتاهی و بلندی جملات، افعال معلوم یا مجهول، و وجهیت می‌شود. در سطح نحوی با توجه به فضای صدور خطابه جهاد، ویژگی‌های برخی عناصر شکلی مانند کاربرد ادات استفهام در معنای توییخی، وجود ادات شرط و جزا همراه با تشویق و تهدید، اسلوب ندا، ادات تأکید، افعال معلوم بیان‌کننده صدای دستوری فعال، کوتاهی جملات هیجان‌بخش، می‌تواند در مخاطب حالت انگیزش ایجاد کند.

شرط و ذکر عاقبت

در عبارت «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَ جَنَّتَهُ الْوَيْقِيَّةُ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ثَوْبَ الذُّلِّ وَ شَمَلَهُ الْبَلَاءُ وَ دَبَّتْ بِالصَّغَارِ

وَ الْقَمَاءَ وَ ضُرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أُدْبِلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سَيِّمَ الْخَسْفُ وَ مَنَعَ النَّصْفُ» پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است، که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است، کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند، و دچار بلا و مصیبت می‌شود و کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گرداند، به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است (دشتی، ۱۳۹۳: ۷۵)، جملات اسمیه و فعلیه آغازگر خطبه‌اند؛ «جملات اسمیه دلالت بر ثبوت و جملات فعلیه دلالت بر حدوث می‌نمایند (هاشمی، ۱۳۸۱: ۶۲). از جملات اسمیه، ثبوت جهاد به عنوان یکی از درب‌های بهشت و لباس تقوی و زره محکم و سپر مطمئن خداوند، فهمیده می‌شود در حالی که جمله فعلیه (فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ)، بر این دلالت می‌کند که توفیق شرکت در جهاد برای افراد همیشه وجود ندارد؛ فضای جهاد که پیش می‌آید در لحظه است و فقط برخی افراد از این فضا بهره‌مند می‌شوند و آمدن ماضی حکایت از این دارد که این قانون، در قضای الهی محتوم شده و سنت او گشته و امروزی نیست؛ گوینده با این جملات، فضیلت جهاد را بیان نموده و مخاطب را در پنج جمله و با کلماتی خوشایند، به جهاد تشویق و ترغیب کرده و در ادامه با اسلوب شرط و جزا که در اینجا رابطه سبب و مسببی بین آن دو برقرار است، در هفت جمله آثار ناخوشایند ترک جهاد را بیان و نسبت به ترک آن هشدار داده و مجموعه این وعده و وعیدها، دارای قابلیت ایجاد و پرورش تحرک و انگیزش در جهت تغییر رفتار مخاطب هستند.

### ساختار استفهامی

«استفهام از (فهم) در لغت به معنای طلب فهم یا خبر دادن از امری است» (معلوف، ۱۳۷۱: ۵۹۸). استفهام در معنی اصلی خود برای فهمیدن مطلبی از مخاطب به کار می‌رود اما گاه این ساختار در معانی ثانوی استعمال می‌شود. از این قبیل استفهام، به استفهام مجازی و تولیدی تعبیر می‌شود. از جمله اقسام استفهام مجازی، توییخی است که «با آن متکلم درصدد نكوهش مخاطب برآمده که کاری را انجام داده یا می‌دهد که وقوع آن از دیدگاه متکلم سزاوار و شایسته نبوده و نیست» (ابن‌هشام، ۱۹۷۹م: ۲۵/۴). در خطبه جهاد، توییخ با ادات استفهام، حاکی از این است که گوینده تصمیم دارد بدین وسیله مخاطب را وادار به دفاع و دفع تجاوز دشمن بنماید. در عبارت «يُغَارُ عَلَيْكُمْ وَ لَا تُغَيِّرُونَ؟ وَ تَغْزُونَ وَ لَا تَغْزُونَ؟ وَ يُعْصَى اللَّهُ وَ تَرْضُونَ؟»، به شما حمله می‌کنند، شما حمله نمی‌کنید با شما می‌جنگند، شما نمی‌جنگید؟ (دشتی، ۱۳۹۳: ۷۶)، از آنجا که گوینده به خوبی از احوال یاران خود مطلع بوده، استفهام را برای طلب فهمیدن مطلبی از مخاطب استعمال نکرده بلکه در معنای ثانوی و در جهت توییخ مخاطب به کار گرفته و به قرینه سیاق و موقعیت سخن و تعلل یاران خود در مقابله با دشمن، با عنای تند تلاش کرده در آنان حس غیرت‌ورزی ایجاد کرده تا در مقابل حملات ایذایی و تحرکات دشمن، منفعل نبوده و به جهاد و مبارزه برخیزند در

(۴۴/۳) و ناگزیر از داشتن خبر یا جوابی است که هدف آن را بیان کند. «قسم، مقیدساختن خبر یا انشاء به موضوع شرافتمندانه و محترم است به طوری که اگر آن خبر برخلاف واقع باشد یا آن انشاء اطاعت نشود، شرافت و احترام موضوع یادشده از بین می‌رود زیرا بر اثر مقیدشدن کلام مزبور به این موضوع، ارتباطی در میان آن دو برقرار شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۰۴).

در فرازی از خطبه جهاد آمده است: «فَبَاعَجَبًا عَجَبًا وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقُلُوبَ وَيُجَلِبُ الْهَمَّ مِنَ اجْتِمَاعِ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ قَبْحًا لَكُمْ وَتَرْحًا» شگفتا شگفتا! به خدا سوگند این واقعت قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌نماید که شامیان در باطل خود وحدت دارند و شما در حق خود متفرقید؛ زشت باد روی شما و از اندوه رهایی نیابید (دشتی، ۱۳۹۳: ۷۵). قسم به کاررفته در این فراز که هم برای گوینده و هم مخاطب از تقدس برخوردار است، با ما قبل خود و ما بعد خود، در تناسب کامل است. در عبارت قبلی، از پیروزی‌های پی‌درپی دشمن همراه با غنائم فراوان، سخن رفته و عبارت بعد، مجدد هجوم و حملات مکرر آنها را یادآور شده است در این میان، قسم بر عامل وحدت و انسجام به عنوان یکی از عوامل مهم پیروزی و موفقیت دشمن، و تفرقه و اختلاف به عنوان عامل شکست و نابودی جبهه حق، تأکید می‌کند. از آنجا که «برانگیختن روح غیرت‌ورزی و شجاعت در مخاطب از طریق به تصویر کشیدن کارهای دشمن» (الموسوی، ۲۰۰۲: ۵۷)، از اسلوب ترغیب به جهاد به‌شمار می‌رود، در این جمله، گوینده با کاربرد صنعت مقابله به همراه قسم، تفرقه اصحابش و اتحاد دشمن را به تصویر کشیده و به شدت از این موضوع ابراز تعجب و گله‌مندی نموده چرا که وحدت و همستگی، همیشه باعث پیروزی و تفرقه و اختلاف موجب شکست است؛ علاوه بر آن در جملات سوگندمحور، اصل معنا در جواب، گفته شده و قسم «والله»، در این عبارت اهمیت آن را چند برابر می‌کند؛ در پایان سخن هم در عبارت انشائی دیگر، مخاطب نفرین شده است؛ گفتنی است تضاد در نحوه عملکرد اصحاب خود و جبهه مقابل، سرزنش را قوی‌تر و آزاردهنده‌تر می‌سازد و با توجه به سیاق سخن، هدف این است که آنان را به تأمل و تفکر واداشته و حس ندامت را برانگیزاند شاید به سستی‌ورزی در امر جهاد پایان داده و با تجدید قوا و انسجام، تهدید و تجاوز دشمن را دفع نمایند.

طول جملات

ادبیت یک سخن اقتضا می‌کند که مؤلف، گاه از جملات طولانی و گاه از جملات کوتاه در بیان منظور خود استفاده کند. بحث طول جملات را در علم بلاغت می‌توان تحت عنوان ایجاز و اطناب بررسی کرد. خطبه‌ی جهاد مجموعاً از ۶۸ جمله تشکیل شده‌اند؛ که ۴۶ جمله آن کوتاه است؛ «بسامد جملات کوتاه در سخن، باعث شتاب و سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵)؛ مخاطبان این جملات افرادی خالی‌الذهن نبودند بلکه کاملاً به وظایف خود آگاه بوده اما سهل‌انگاری و سستی‌ورزی نموده‌اند و از سویی گوینده به کلام خود کاملاً مطمئن و واقف بوده بنابراین نیاز به اطناب در گفتار نبوده و از آنجا که به راحتی، خودشان هم مقصود گوینده را دریافت می‌نمودند، جملات کوتاه را که دارای ریتم تند و سریعند، با بسامد بیشتر نسبت به

حقیقت، این بیان در قالب عبارات مثبت و منفی به کار رفته و شیوه استفهام توبیخی، گویای این حقیقت است که نمی‌بایست جملات مثبت (حمله و هجوم دشمن و معصیت الهی) به وجود می‌آمد و وجود این پیشامدها به علت عبارات منفی بعد است و طبعاً به این معناست که مثبت دشمن باید با مثبت (عبارات مثبت) جواب داده شود.

ندا

از جمله ابزار ارتباطی، حروف ندا است که برای فراخواندن مخاطب استعمال می‌شود اما گاهی در معنای دیگری استعمال می‌شود؛ در عبارت: «يَا أَشْيَاءَ الرَّجَالِ وَ لَا رَجَالَ، حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَاتِ الْحِجَالِ، لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرُكُمْ وَ لَمْ أَعْرِفْكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَرَّتْ نَدْمًا وَ أَعْقَبَتْ سَدَمًا قَاتِلَكُمْ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحْنَمُ صَدْرِي غَيْظًا»، حرف منادای بعید (یا) در آغاز جمله، به معنای تحقیر کوفیان سست‌عنصر آمده چرا که آنان را به دلیل عملکرد نادرستشان به منزله غایب فرض نموده، به امید اینکه این گونه تحقیر نمودن حالت انگیزش ایجاد کرده و در جهت تنبه و بیداری آنان مؤثر واقع شود؛ علاوه بر حرف ندا، در ادامه با ترکیبات «أَشْيَاءَ الرَّجَالِ، حُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ رَبَاتِ الْحِجَالِ» در محور همنشینی و در قالب صنعت متناقض‌نما و تشبیه، با ناراحتی هرچه تمام‌تر و با لحنی بسیار تند، ابراز نفرت نموده و با نسبت‌دادن کونه‌فکری و نداشتن غیرت مردانگی، تحقیرشان نموده است؛ این گونه گفتار و لحن احساسی و پرهیجان، به دلیل دمدمی‌مزاج و احساساتی‌بودن آنان بوده که علی‌رغم تمام تأکیدات، همچنان از پذیرش مسئولیت‌های خود طفره رفته و با حالت انفعالی موجب بروز مشکلاتی برای رهبر و فرمانده خود شده بودند؛ لذا گوینده آرزو می‌کند کاش آن‌ها را نمی‌دید و نمی‌شناخت چرا که گرفتار مردمی بی‌اراده گشته که با سستی‌ورزی، باعث تحلیل توان مدیریتی وی شده بودند تا جایی که به ستوه آمده و در ترکیب (قَاتِلَكُمْ اللَّهُ)، نفرینشان نموده است. اوج این نکوهش‌ها به گونه‌ای است که باظراف گفتاری، عناصر لفظی موجود در عبارت را مبدل به انگیزشی نموده زیرا هر کدام از تعبیرات می‌تواند آتشی بر خرمن دل‌ها زده و مخاطبان را به جنب‌وجوش و تغییر رفتار وادار سازد.

ادات تأکید

ارتباط زبانی، حاصل تعامل گوینده و شنونده است و این ارتباط همراه با نشانه‌هایی در یک متن می‌آید؛ یکی از آن نشانه‌ها ادات تأکید است. کاربرد این ادات، گاه برای فهماندن مطلب به مخاطب و باورپذیری اوست اما گاه مخاطب علی‌رغمی که می‌داند، نمی‌خواهد بپذیرد؛ در این صورت، هدف تنها تقویت موضوع مورد گفتگو نیست بلکه مقصود، خارج کردن مخاطب از حالت غفلت و بی‌توجهی و چه بسا ایجاد انگیزش در اوست. تا آنجا که برخی را اعتقاد بر این است که ادات تأکید بیشتر در نقش ترغیبی کاربرد دارند (یاکوبسن، ۱۳۸۸: ۹۵-۹۹). از جمله ادات تأکید، قسم است.

قسم

«قسم برای تأکید آن چه مورد قسم قرار گرفته استفاده می‌شود و گاه برای مبالغه در تأکید به سخن اضافه می‌شود (زرکشی، ۱۹۸۴،

جملات طولانی، در نکوهش آنان به کار گرفته تا با تأمل، در رفتارشان تغییر ایجاد کنند.

در عبارت «لَوَدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرَكُمُ وَلَمْ أَعْرِفْكُمْ. مَعْرِفَةُ وَاللَّهِ جَرَتْ نَدْمًا، وَ أَتَقَبَّتْ سَدَمًا فَاتْلُكُمْ اللَّهُ، لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا، وَ شَحْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا، وَ جَرَّعْتُمُونِي نَعْبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا، وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعِصْيَانِ وَالْخِذْلَانِ»، جملات کوتاه همنشین، در قالب چینش کلماتی از قبیل معرفه و صفات آن با واژگان «ندم و سدم»، به همراه قسم و همچنین نفرین با ترکیب «فَاتْلُكُمْ اللَّهُ»، مبین خشم و بیزاری از نحوه تعامل کوفیان با فرمانده خود است و چون کلام در باب سرزنش است پس این استحکام در گفتار، می‌تواند عزم و اراده شونده را تحریک کرده چرا که بار خفت و خواری را بر دوش خود سنگین می‌یابد؛ لذا می‌توان آن را ترغیبی و انگیزشی دانست.

### صدای دستوری

«رابطه رخداد یا حالت بیان شده در فعل با دیگر شرکت-کنندگان، صدای دستوری است و به صدای فعال و منفعل تقسیم می‌شود. با توجه به میزان کاربست افعال معلوم و مجهول در یک متن ادبی در کنار زمان، وجهیت و سایر قیود، می‌توان چگونگی تأثیر سخن را بر مخاطب ارزیابی کرد. باید دید کنشگر در یک متن ادبی بسته به هدف، سخنور یا مخاطب است و یا فاعل خارج از دایره خطابه؛ صدا در جملات با افعال متعدی، فعال و افعال معلومند و با افعال لازم، منفعل و مجهولند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵-۲۹۶). در خطبه‌ی ۲۷ هر دو صدای فعال و منفعل وجود دارد صدای دستوری فعال وقتی است که ما با شنیدن فعل جمله، بفهمیم که فاعل آن فعالیت بیشتری داشته است؛ از مجموع ۶۸ فعل به کار رفته در این خطبه، ۵۳ فعل معلومند که حاکی از صدای فعال گوینده در دعوت مخاطبان به جهاد بوده و در مقابل تنها پانزده فعل مجهول در خطبه آمده که این آمار، نشان‌دهنده بسامد بالای صدای فعال و کنشگر در متن است به گونه‌ای که متکلم با اشتیاق، مخاطب را به اطاعت فراخوانده و از سرپیچی هشدار داده است.

در عبارت «أَلَا وَ أَنِّي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَ نَهَارًا وَ سِرًّا وَ أَعْلَانًا وَ قُلْتُ لَكُمْ أَغْزُوهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا قَتَوْا كَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ حَتَّى شَنَّتْ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ وَ مَلِكْتُ عَلَيْكُمُ الْاَوْطَانُ»، پدیده فعال‌سازی جاری است چراکه صدای حاکم بر متن با کاربرد افعال معلوم چون «أَغْزُوهُمْ» فعال است؛ در قسمت اول، فاعل و گوینده، با صدای بلند و رسا، جهاد با دشمن را از مخاطب در خواست نموده و چون پاسخی مناسب نشنیده، با افعال «تَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ» از آنان شکوه کرده است به گونه‌ای که شنونده، معانی و مفاهیم بیشتری را از راحت‌طلبی و آسوده‌خواهی کوفیان دریافت می‌کند؛ چرا که اینان بزدلانه کاملاً حالت انفعالی به خود گرفته‌اند در صورتی که می‌توانستند فعال باشند؛ بر واضح است افعال مجهولی مثل «شَنَّتْ وَ مَلِكْتُ» متناسب با سیاق خطابه و توییح بر ترک جهاد، انفعال آنان را به تصویر می‌کشد و در هیچ عبارتی از خطبه‌ی جهاد، صدای فعالی از مخاطب مبنی بر اطاعت‌پذیری از حاکم خود به چشم نمی‌خورد؛ لذا گوینده با کاربرد افعال مجهول، در صدد القای حس منفعل‌بودن به آنها بوده که لازم است برانگیخته و فعال شوند.

### سطح بلاغی

مقصود از سطح بلاغی استفاده از عناصری است که در تصویرگری و ترسیم مفاهیم انتزاعی نقشی شگرف ایفا می‌کنند «تصویرسازی روشی است که گوینده با استفاده از آن، مفاهیم ذهنی مورد نظر خود را به شنونده منتقل و مانند تابلویی آن‌ها را در برابر او مجسم می‌کند (حسومی، ۱۳۹۳: ۱). در این سطح انواع تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، قرار دارد.

### تشبیه

«تشبیه، نشان‌دادن اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معناست» (فتنازانی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۷). «تشبیه، نشان‌دهنده وسعت و زاویه‌ی دید شاعر و یا نویسنده است که چگونه توانسته میان اشیاء و عناصر به‌ظاهر بی‌ارتباط و متنوع، پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی، جز دید و توان شاعر و نویسنده دریافت نمی‌شود و به دیگر سخن، هسته مرکزی خیال‌های شاعرانه، تشبیه است» (رضائی‌جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۷). تشبیهات در خطابه‌های نهج البلاغه، عمدتاً از متن زندگی و برخاسته همسو با اندیشه‌های مؤلف و مقصود از کلام او و باورهای مخاطبان است.

در عبارت «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَفَتْحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَ هُوَ لِبَاسِ التَّقْوَى وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةِ وَ جُنَّةُ الْوَتِيقَةِ فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ الذُّلَّ وَ شَمَلَةَ الْبِلَاءُ وَ دَيْتَ بِالصَّعَارِ وَ الْقَمَاءِ وَ ضَرَبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ وَ أَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَ سِيمِ الْخُسْفِ وَ مَنَعَ النُّصْفِ» پس از ستایش پروردگار، جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است جهاد، لباس تقوا، و زره محکم، و سپر مطمئن خداوند است؛ کسی که جهاد را ناخوشایند دانسته و ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند و دچار بلا و مصیبت شده و کوچک و ذلیل می‌گردد، دل او در پرده گمراهی مانده و حق از او روی می‌گردد؛ به جهت ترک جهاد، به خواری محکوم و از عدالت محروم است (دشتی، ۱۳۹۳: ۷۵)، جهاد در محور همنشینی به عنوان یک مفهوم انتزاعی، به درب، لباس، زره و سپر که برای مخاطب محسوس و ملموس بوده تشبیه شده است و این تشبیه معقول به محسوس، موجب درک بیشتر اهمیت و پرداختن به آن می‌گردد؛ جهاد به آنچه تلاش انسان برای رسیدن به اهداف است گفته می‌شود و در اینجا با توجه به سیاق، هرگونه تلاشی است که باعث دفع دشمنان شود و مصادیقی از قبیل کار، رنج، مقاومت، قدرت، تکلیف و زحمت همراه با تقوا که به خودنگهداری تعبیر شده است، در آن نهفته است (قرشی، ۱۳۹۶: ۵۵۸). نتیجه این تلاش و رنج، گشایش و آرامش و آسودگی است که مانند درهایی بر روی رنج‌کشیدگان باز شده و در پایان سختی‌ها، به آسودگی‌ها و راحتی‌های بهشت می‌رسند؛ در این فراز، با استفاده از صنعت بیانی تشبیه، عاقبت خوشایندی برای مجاهدان ترسیم و در نتیجه موجی از شور و شغف در مخاطب ایجاد و سخن را مبدل به انگیزشی می‌نماید و در مقابل، نسبت به تارکین جهاد هشدار داده‌شده که دچار ذلت و خواری و بلا و مصیبت و گمراهی می‌گردند، این وعید و هشدار موجب ایجاد هراس در دل مخاطب شده و در برانگیخته‌شدن آنان به جهاد مؤثر است.



## استعاره

« به کارگیری لفظ در غیرمعنایی که برای آن وضع شده است به جهت رابطه و تشابه با قرینه صارفه را استعاره گویند» (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۸). استعاره، صنعتی است که علاوه بر زیبایی-شناسی می‌توان آن را به عنوان ابزاری در راستای تجسیم و ترسیم مفاهیم انتزاعی و ذهنی و تأثیرگذاری و تحرک بخشی مخاطب تحلیل نمود.

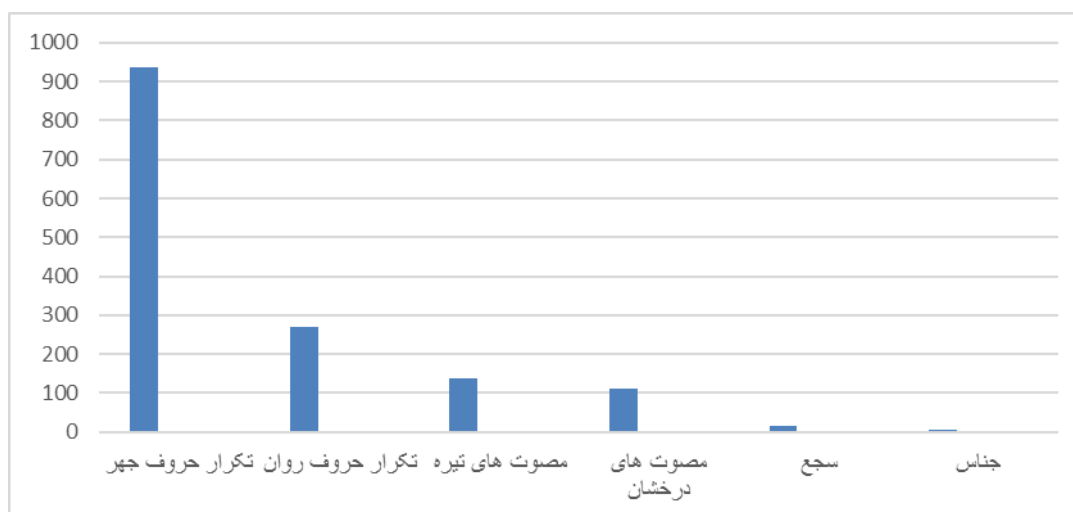
در عبارت «قَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ شَحْنَمُ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَرَّعْتُمُونِي نُغْبًا التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا» کلمه «شَحْنَمُ» که به معنای بارزدن چیزهای مادی و محسوس است، استعاره از پرشدن دردهای دل گوینده است که شدیدترین غم‌ها در قالب این لفظ تصویرسازی شده است و کلمه «جَرَّعْتُمُونِي»، که در پایین رفتن جرعه جرعه آب از گلو استعمال شده است، برای فرودادن جرعه جرعه غم و اندوه استعاره شده است. شخصیت بخشی به صور بی جان با غلبه عنصر خیال در قالب استعاره، ضمن ترسیم فضایی نو و بدیع، مبین عواطف و احساسات گوینده و محوسن بر پایه دفاع از کیان مسلمانان در برابر تجاوزات دشمنان است. دلالت این تعبیر استعاری را می‌توان در جهت نقد عملکرد کوفیان و مذمت ترک جهاد و انگیزش عواطف و احساسات آنان دانست؛ علاوه بر آن، صنعت کنایه هم در این فراز آمده که به صورت تعریض و گوشه زدن، سخره کردن و نکوهش مخاطب است. در این فراز، کلمه «قَيْحًا»، به معنای چرکابه، از دردهای دل گوینده کنایه شده است؛ این تعبیر، به وضوح ناراحتی و اعتراض گوینده را از عملکرد یاران خود نشان می‌دهد و در حقیقت منظور واقعی گوینده، تلنگرزدن به مخاطب است که از رفتار زشت خود دست برداشته و اطاعت و پیروی از پیشوا را پیشه خود سازد؛ بنابراین می‌توان تعبیر کنایی را نیز در این فراز برخوردار از ترغیب و انگیزش نیز دانست.

## مجاز

«مجاز بر وزن مفعول از «جَارَ الْمَكَانَ يَجُوزُهُ إِذَا تَعَدَّاهُ» گرفته شده است. مجاز در اصطلاح به معنای کلمه‌ای است که در غیر معنای حقیقی خود به همراه قرینه‌ای که مانع معنای حقیقی باشد، به کار رود. اگر استعمال در معنای غیرحقیقی به علاقه مشابهت باشد، آن را استعاره گویند و اگر با علاقه غیرمشابهت باشد آن را مجاز مرسل گویند» (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۸). در عبارت «وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَيُجَلِبُ إِلَيْهِم مِّنْ اجْتِمَاعِ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَتَفَرُّقِكُمْ عَنِ حَقِّكُمْ فَتُبْحَالِكُمْ وَتَرَحُّأً»، دو مجاز مرسل و عقلی وجود دارد؛ واژه «يُمِيتُ»، که مسبب از غم و اندوه است و با علاقه سببیت به جای آن به کار رفته، مرسل است و اسناد امانه قلوب به اجتماع مردم بر باطل، مجاز عقلی است. در این فراز، گوینده با لحنی تند، سخن خود را با قسم، آغاز و با صنعت مقابله، همراه کرده و به نقد عملکرد کوفیان در تفرقه آنان در مقابل متحدبودن دشمن، پرداخته است چرا که در جنگ، اتحاد، انسجام، هماهنگی نیروها و فرمانبری از فرمانده، همواره به عنوان اصلی‌ترین عامل پیروزی محسوب می‌گردد که درست در لشکر امام علی (ع)، عکس آن اتفاق افتاد و بخش عمده‌ای از محقق نشدن اهداف ایشان همین عامل بود تا جایی که به همین دلیل به جای غم و اندوه، واژه ناخوشایند «مرگ» را برای تمام امیدهای بربادرفته اش به کار برده که اوج ناراحتی و اندوه و تأسف خود را به مخاطب برساند؛ شاید بتواند با این شیوه او را به تأمل در مورد اهمیت اتحاد و انسجام و نقش آن در موفقیت، واداشته و برای تجهیز دوباره مقابل دشمن برانگیزاند.

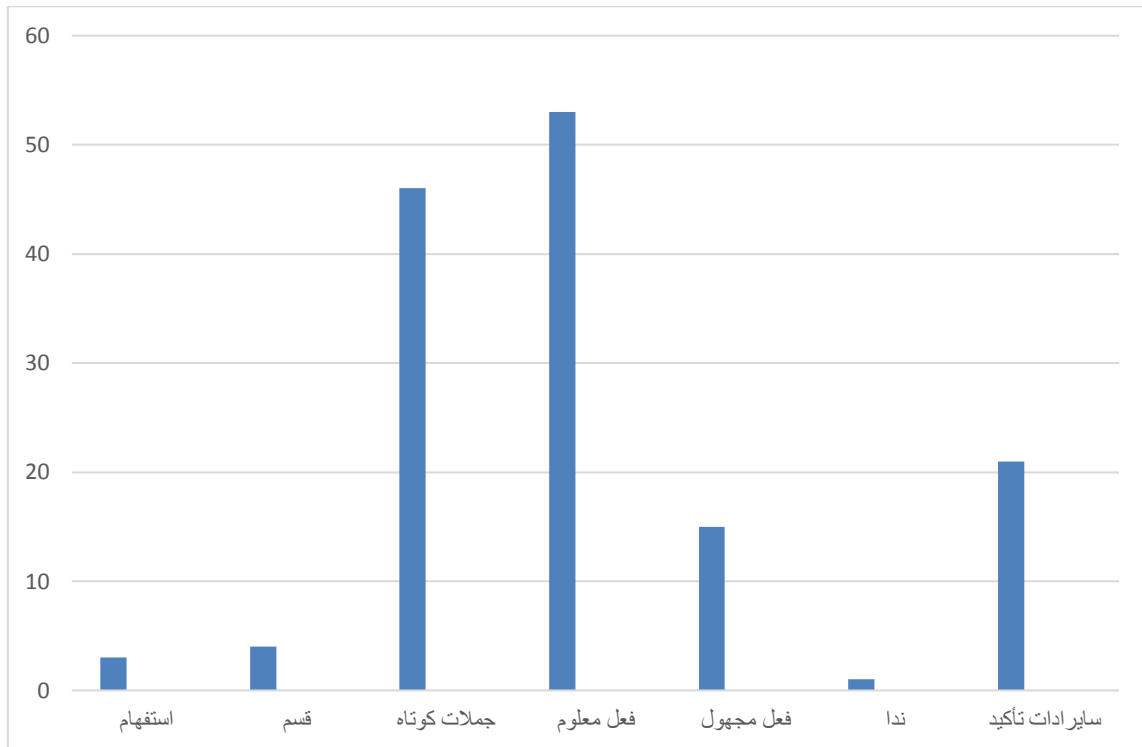
جدول ۱. بسامد عناصر سطح آوایی

عناصر سطح آوایی	تکرار حروف جهر	تکرار حروف روان	مصوت‌های تیره	مصوت‌های درخشان	سجع	جناس
بسامد	۹۳۶	۲۶۹	۱۳۷	۱۱۲	۱۶	۷



جدول ۲. بسامد عناصر سطح نحوی

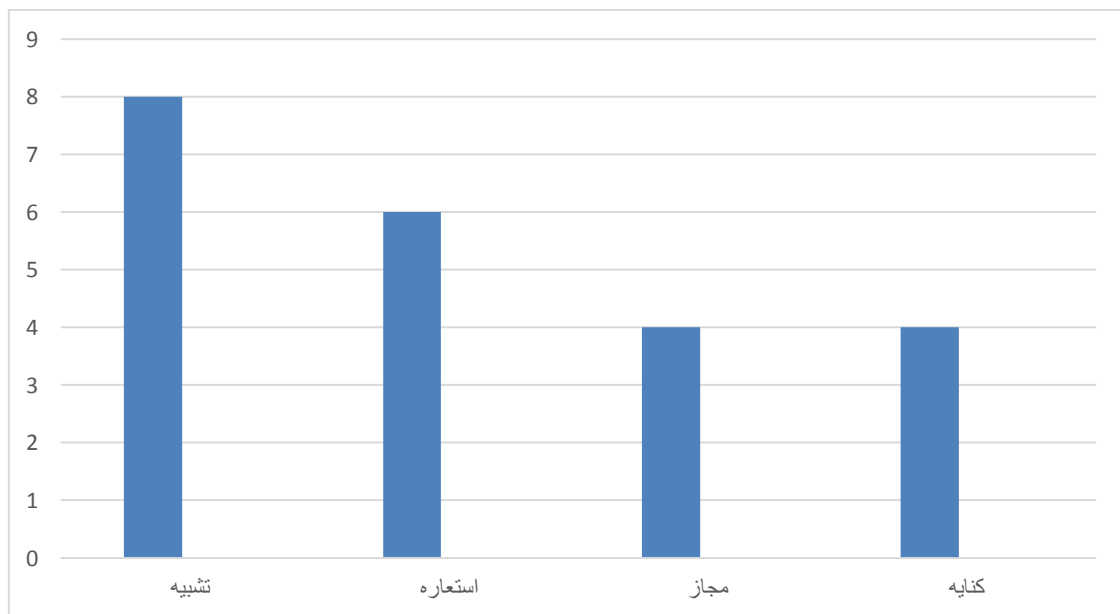
عناصر سطح نحوی	استفهام	قسم	جملات کوتاه	فعل معلوم	فعل مجهول	ندا	سایر ادات تأکید
بسامد	۳	۴	۴۶	۵۳	۱۵	۱	۲۱



نمودار ۲

جدول ۳. بسامد عناصر بلاغی

عناصر سطح بلاغی	تشبیه	استعاره	مجاز	کنایه
بسامد	۸	۶	۴	۴



نمودار ۳

- Mehdirji and Manouchehr Tawanger, Tehran, Semat Publications, first edition.
6. Hassoumi, Wali Allah, (2013), types of images in Nahj al-Balagha, Alavi research paper, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, fifth year, autumn and winter, second issue.
7. Haq-Shanas, Ali-Mohammed, (1369), Phonetics, Tehran, Aghah Publications, second edition.
8. Robbins, Stephen P., (2008), Organizational Behavior, translated by
9. Ali Parsian and Mohammad Arabi, Tehran, Cultural Research Office, 25th edition.
10. Rezaei-Jamkarani, Ahmad, (2004), The role of simile in stylistic transformations, two quarterly studies of Persian language and literature, University of Sistan and Baluchistan, autumn and winter, number five.
11. Al-Zarkashi, Badr al-Din Muhammad bin Abdullah, (1984), al-Burhan in the Sciences of the Qur'an, research of Muhammad Abul Fazl Ibrahim, Cairo, Dar al-Tarath School, third edition.
12. Seyyed Razi, Mohammad Bin-Hosseini, Nahj-ul-Balagha, translated by Mohammad Dashti, (2013), Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House, first edition.
13. Shamisa, Siros, (2006), Ma'ani, Tehran, Mitra Publishing House, first edition.
14. Safavi, Korosh, (2013), from linguistics to literature, vol.1, Tehran, Sore Mehr Publishing Company, third edition.
- an introduction to semantics, Tehran, Mehr Publishing House, first edition. (۲۰۱۳)
15. Salah-Fazl, (1998), The Science of Style, Principles and Practices, Cairo, Dara Shoroog, Al-Tabaa-e-Awli.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-
16. Qur'an, volume 1, Mashhad, Allameh Tabatabai Publications, second edition.
17. Abbasinia, Saeed and Sajdi, Abolfazl, (2015), Quran and motivational language,

نتیجه گیری

انگیزش از مفاهیم اساسی روانشناسی است که از مهمترین عوامل نیروبخش و هدایت کننده و جهت دهنده رفتار به شمار می رود و هر چیزی را که موجب حرکت و جنبش موجود زنده از جمله انسان به سوی هدفی معین شود، می توان تحت نظام انگیزشی قرار داد؛ از جمله این عوامل، محرک های گفتاری است که گوینده به قصد اثرگذاری و برانگیختن توانایی های درونی انسان به کار می گیرد که به رفتاری خاص در عالم خارج منجر گردد. در همین راستا، در خطابه های نهج البلاغه از جمله خطبه جهاد، عناصر مختلف زبانی با بسامدهای مختلف به کار رفته است. در سطح آوایی، کاربرد حروف جهری با ۹۳۶ حرف و حروف روان «راء و لام» با ۲۶۹ حرف، از بسامد بیشتری نسبت به دیگر حروف برخوردارند. همچنین مصوت های درخشان با ۱۱۲ و مصوت های تیره با ۱۳۷ حرکت، دارای بیشترین فراوانی هستند. دلیل بسامد بالای حروف جهر، دلالت این حروف بر تندی لحن و تکاندگی و هیجان انگیزبودن آنهاست. فراوانی حروف روان را باید نشانگر دعوت مکرر و پیاپی امام (ع) و نافرمانی مکرر اصحاب ایشان دانست. چرایی فراوانی کاربرد بالای مصوت های درخشان، دلالت بر بلندبودن صدا هنگام دعوت به جهاد؛ و فزونی مصوت های تیره، بیانگر القاگری حزن و اندوه از اهل و بهانه جوئی کوفیان در امر جهاد و دفاع است. در سطح نحوی، کاربرد ۵۳ فعل معلوم، نشانگر فعال بودن فاعل و گوینده سخن، در دعوت به جهاد است و در گام بعدی، جملات کوتاه با ۴۶ مورد به کار رفته که بیشتر از جملات طولانی در هیجان انگیزی مؤثر است. در سطح بلاغی، کاربرد تشبیه با هشت مورد، نشانگر القای ملامت و نکوهش گوینده با استفاده از کلمات محسوس و ملموس بر ترک جهاد است. کاربرد عناصر شکلی انگیزشی در خطبه جهاد بخاطر عافیت طلبی، سستی و تزلزل برخی از کوفیان در همراهی با امام (ع) است به گونه ای که ایشان با توجه به فضای حماسی خطبه، به عنوان آخرین چاره، به امید اثرگذاری، کلام خود را با لحنی قاطع همراه عناصر مذکور ایراد نموده شاید سبب برانگیختگی اصحابش در کارزار با دشمن گردد.

## Reference

1. - Ibn Maitham, Ali Ibn Maitham Bahrani, (1404 AH), Commentary on Nahj al-Balagha, Tehran, Nashral Kitab office.
2. Ibn-Hisham-Al-Ansari, Jamal-Din, (1979), Mughni al-Labib, Beirut, fifth edition.
3. Tajleil, Jalil (1376), Puns in the field of Persian literature, Tehran, Institute of Cultural Studies and Research, first edition.
4. Taftazani, Masoud Ibn Omar, (1411 AH), Sharh al-Mukhatsar, Qom, Dar al-Fikr Publications, first edition.
5. Yol, George, (2013), Language Usage, translated by: Mohammad Amozadeh-

sermon based on Morris-Gramon's theory, Alavi Research Journal, 7th year, spring and summer, first issue.

30. Al-Mousavi, Mohammad Baqer, (2002), Al-Mudkhal al-Ulum-Nahj-ul-Balagha, Beirut, Darul-Uloom, Taba'-ul-Awli, Beirut.

31. Hashemi, Ahmad, (2008), Jawaharlal Balagha, Qom, Seminary Management Center, first edition.

32. Homai, Jalaluddin, (1386), Rhetoric Techniques and Literary Crafts, Tehran, Rahnama Publishing House, 6th edition.

33. Yakobsen, Roman and others, (1369), Linguistics and Literary Criticism, translated by Maryam Khozan and Hossein Payandeh, Tehran, Ni Publishing, first edition.

34. Yakobsen, Roman, (2008), Linguistics and Poetry, translated by Kurosh Safavi, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Art, first edition..

theological knowledge, seventh year, spring and summer, first issue.

18. Abd al-Tawab, Ramadan, (1980), Al-Mudkhal al-Alam al-Lagheh, Cairo, Al-Khanjani School.

19. Qoimi, Mahosh, (2013), Awa wa Al-Qa, an approach to the poetry of the Third Brotherhood, Tehran, Hermes Publishing House, first edition.

20. Falk, Julia.S., (1372), Linguistics and Language Review of the Fundamental Concepts of Linguistics, translated by: Khosro Gholam Alizadeh, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House, second edition.

21. Fatouhi, Mahmoud, (2012), stylistics, theories, approaches, and methods, Tehran, Nashersakhon, first edition a critical look at the theoretical foundations and methods of traditional rhetoric, Literature Studies, Autumn, number three..

22. Farahidi, Ibn-Ahmad, (Bita), Al-Ain, Research of Abdul Hamid-Handawi, Beirut, Dar-ul-Kutb-ul-Alamiya.

23. Qurashi, Ali Akbar, (2016), Nahj al-Balagheh Vocabulary, Qom, Islamic Publications Office, 4th edition.

24. Copleston, Frederick Charles, (1385), History of Philosophy, translated by Jalaluddin Mojtaboi, Tehran Scientific and Cultural Publications, first edition.

25. Giro, Pierre, (2010), Semiotics, translated by Mohammad Naboi, Tehran, Aghah Publishing.

26. Louis-Maalouf, (1371), Al-Munjed fi-al-Lagheh, Tehran, Parto Publishing House, third edition.

27. Marshall-Reeve, John, (2013), Motivation and excitement, translator: Yahya Seyed Mohammadi, Tehran, edited publication, 21st edition.

28. Mahmoudi, Saeeda et al., (2016), analysis of the literary discourse of Jihad sermon, Nahj al-Balagha Research Quarterly, 4th year, number 16.

29. Mokhtari, Qasim, Hadi-Far, Fariba, (2015), Induction of sounds in the Jihad